خبر

عراقچی: امنیت پایدار خاورمیانه را نمی‌توان از بیرون منطقه تحمیل کرد

وزیر امور خارجه ایران در سخنرانی خود در مجمع گفت‌وگوی جهانی ۲۰۲۶ اندونزی هشدار داد الگویی خطرناک در حال شکل‌گیری است که در آن زور نظامی به سازوکاری دائمی برای بازطراحی امنیت منطقه تبدیل شده است. به گزارش ایسنا، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان، دیروز به صورت برخط در کنفرانس «فراخوانی برای یک چرخش جهانی؛ بازگرداندن توسعه به مرکز توجه، احیای کرامت انسانی و بازسازی عدالت در جهانی پرآشوب» در مجمع گفت‌وگوی جهانی ۲۰۲۶ به میزبانی انجمن سیاست خارجی اندونزی سخنرانی کرد. عراقچی با انتقاد از شرایط کنونی حاکم بر عرصه بین‌الملل، گفت: «اکنون الگویی خطرناک شکل گرفته است؛ الگویی که در آن زور نظامی دیگر به عنوان آخرین راه‌حل مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، بلکه به سازوکاری دائمی برای بازطراحی چشم‌انداز سیاسی و امنیتی منطقه تبدیل شده است». وزیر امور خارجه کشورمان در بخشی از سخنان خود با اشاره به تحولات غزه و لبنان تصریح کرد: «تراژدی غزه و جنایات مستمر ارتکابی از سوی رژیم اسرائیل، از روشن‌ترین و هولناک‌ترین جلوه‌های این الگوی شکست‌خورده است. آنچه در غزه می‌گذرد، صرفا یک تراژدی انسانی نیست، بلکه آزمونی برای وجدان و مسئولیت جمعی جامعه بین‌المللی است». او افزود: «در چنین شرایطی، تجاوز عادی می‌شود، تشدید تنش نهادینه می‌شود و ویرانی، از یک پیامد جنگ به ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی تبدیل می‌شود. این روند در مرزهای غزه و لبنان متوقف نشد». عراقچی همچنین با اشاره به تجاوز نظامی ایالات متحده و رژیم اسرائیل علیه ایران گفت: «این جنگ بخشی از الگوی گسترده‌تر از تجاوزهای بدون مجازات، ازجمله کارزار ترورهای هدفمند مسئولان ایرانی، تهدید علیه مقامات و شخصیت‌های سیاسی، نقض حاکمیت کشورها و بی‌کیفرمانی اقدامات تجاوزکارانه است». وزیر امور خارجه کشورمان با اشاره به کشتار ۱۶۸ دانش‌آموز بی‌گناه در میناب تأکید کرد: «کشته‌شدگان این‌گونه جنایات فقط اعدادی در میان آمار قربانیان جنگ نیستند. پشت هریک از این جان‌های ازدست‌رفته، یک خانواده، یک آینده و یک زندگی قرار داشت. این همان نقطه‌ای است که باید از خود بپرسیم: تا کجا؟ چه زمانی می‌گوییم دیگر بس است؟». عراقچی با تأکید بر ضرورت چندجانبه‌گرایی واقعی گفت: «اگر حقوق بین‌الملل زمانی که منافع قدرت‌های بزرگ اقتضا می‌کند نادیده گرفته شود، دیگر نمی‌توان از حاکمیت قانون سخن گفت. اگر نهادهای بین‌المللی نتوانند در برابر تجاوز ایستادگی و عاملان نقض حقوق بین‌الملل را پاسخ‌گو کنند، طبیعی است که اعتبار و مشروعیت این نهادها آسیب ببیند». او خاطرنشان کرد: «جهان امروز بیش از هر زمان دیگری به چندجانبه‌گرایی واقعی، مؤثر و عادلانه نیاز دارد. چرخش جهانی مستلزم اراده و شجاعت سیاسی برای تغییر مسیر حرکت کنونی است: از نظامی‌گری به سوی توسعه پایدار، از مداخله‌گرایی به سوی احترام به حاکمیت ملی، از مجازات جمعی به سوی حمایت از غیرنظامیان، از پاسخ‌گویی گزینشی به سوی عدالت جهان‌شمول و از جنگ‌های بی‌پایان به سوی صلحی پایدار». وزیر امور خارجه کشورمان در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر لزوم تغییر پارادایم امنیتی در خاورمیانه گفت: «در خاورمیانه، امنیت پایدار نمی‌تواند از بیرون منطقه دیکته شود. امنیت منطقه باید متعلق به خود منطقه باشد. کشورهای منطقه باید بتوانند درباره امنیت، ثبات، توسعه و آینده مشترک خود گفت‌وگو کنند و راه‌حل‌های خود را بدون مداخله قدرت‌های خارجی بیابند». عراقچی تصریح کرد: «برای جمهوری اسلامی ایران، این صرفا یک دیدگاه نظری نیست. این رویکرد، حاصل تجربه‌ای تاریخی و درسی است که ملت ایران هزینه‌های سنگینی برای آن پرداخته است. ما باور داریم امنیت پایدار از مسیر گفت‌وگو، اعتمادسازی، همکاری و احترام متقابل میان کشورهای منطقه حاصل می‌شود، نه از مسیر حضور نظامی قدرت‌های خارجی و تحمیل اراده آنان». وزیر امور خارجه کشورمان در پایان با اشاره به انتخاب تاریخی پیش‌روی جامعه بین‌المللی گفت: «می‌توانیم همین مسیر را ادامه دهیم؛ مسیر نظامی‌گری، مداخله، تقابل و جنگ‌های بی‌پایان. یا می‌توانیم اراده و شجاعت تغییر مسیر را داشته باشیم. این همان چرخش بنیادینی است که جهان امروز به آن نیاز دارد و زمان آن، نه فردا و نه در آینده‌ای نامعلوم، بلکه زمان آن اکنون است».

لوکاشنکو: ایرانیان هرگز در برابر کسی زانو نزده‌اند

رئیس‌جمهور بلاروس در دیدار با جمعی از جوانان این کشور گفت: «وارثان ایرانیان، مردمان این سرزمین هرگز در برابر کسی زانو نزده‌اند؛ آیا ایالات متحده از این تاریخ بی‌خبر است؟». الکساندر لوکاشنکو، رئیس‌جمهوری بلاروس، همچنین افزود: «غرب جنگ علیه ایران را به راه انداخت، چون به دنبال ثروت این کشور بوده است». به نقل از شبکه خبری بلتا، رئیس‌جمهور بلاروس خطاب به جوانان بلاروسی ادامه داد: «خیلی‌ها تلاش کردند در سال ۲۰۲۰ ما را از روسیه جدا کنند. اگر موفق می‌شدند، ما هم دچار وضعیتی مشابه اوکراین می‌شدیم. آیا توانایی آن را دارید که کشور را در دست بگیرید و حفظ کنید؟ اگر دارید، همین فردا دست به کار شوید. من تا حد ممکن از این قدرت بیزار و خسته شده‌ام». او خاطرنشان کرد جهان درحال‌حاضر شاهد تقسیم‌بندی مجدد قدرت است. او تأکید کرد بلاروس باید در این شرایط با تکیه بر متحدان خود، استوار و ثابت‌قدم بماند. لوکاشنکو همچنین ابراز اطمینان کرد فشارهای غرب بر این کشور ناشی از پایبندی بلاروسی‌ها به حفظ میراث خود در ابعاد معنوی، فرهنگی و اقتصادی است. در همین حال، تحلیلگران غربی گاهی درباره تاریخ بلاروس، هویت آن و حس ذاتی احترام به مالکان اراضی مطالبی می‌نویسند.

نادری: بزرگ‌ترین «گرا» به دشمن، انکار بحران از طرف مسئولان است

عضو هیئت‌رئیسه مجلس تأکید کرد: بزرگ‌ترین «گرا» به دشمن نه خود بحران، بلکه انکار بحران از طرف مسئولان است؛ چراکه انکار، ذهن مردم را به سمت منابع جایگزین، که همان دشمن است، گسیل می‌دهد. احمد نادری در گفت‌وگو با ایسنا، با طرح این پرسش که «گرادادن» به چه معناست، گفت: بسیاری از مسئولان «گرادادن» را معادل گفتن عدد منفی یا گفتن عیب می‌دانند، درحالی‌که در مبحث جنگ شناختی، «گرا» به معنای دادن فرصت برای تطبیق روایت دشمن با واقعیت است. او توضیح داد: برای مثال اگر نرخ تورم ۴۰ یا بیشتر باشد و مسئولی بگوید شرایط عادی است، مردمی که با تورم ۴۰ درصد دست‌وپنجه نرم می‌کنند، این تناقض را درک می‌کنند. در این لحظه دشمن نیازی به جاسوسی ندارد؛ او به‌سادگی تصویر خیابان را کنار حرف مسئول می‌گذارد و می‌گوید «ببینید، نظام دارد به شما دروغ می‌گوید» و همواره می‌بینیم که شب و روز رسانه‌های معاند کارشان همین شده است. پس بزرگ‌ترین «گرا» به دشمن نه خود بحران، بلکه انکار بحران از طرف مسئولان است؛ چراکه انکار ذهن مردم را به سمت منابع جایگزین که همان دشمن است، گسیل می‌دهد. نماینده تهران در مجلس درباره هزینه اعتماد عمومی در برابر هزینه پنهان‌کاری گفت: فرض کنید جامعه یک کیف پول اعتماد دارد. هر بار که مسئولی واقعیتی را پنهان می‌کند، یک اسکناس از این کیف برمی‌دارد. سرمایه اجتماعی برخلاف پول رایج قابلیت چاپ مجدد ندارد و بازسازی آن سال‌ها طول می‌کشد.

عکس: امیرحسین خورگویی، ایسنا

روایت «شرق» از تناقض‌گویی‌های آمریکا در قبال ایران؛ از وعده پایان سریع جنگ تا تشدید فشار بر ایران

ترامپ و تناقض‌های بزرگ

موسی موحد: پرگویی، کلی‌گویی و اظهارات متناقض در ادبیات دونالد ترامپ پدیده تازه‌ای نیست، اما پس از آغاز جنگ با ایران، این ویژگی بیش از گذشته به بخشی از روایت رسمی واشینگتن درباره آینده درگیری تبدیل شده است. رئیس‌جمهور آمریکا از یک سو بارها از نزدیک‌بودن پایان جنگ، آمادگی ایران برای توافق و ضرورت بازگشت به مذاکره سخن می‌گوید و از سوی دیگر، هم‌زمان از «تصمیم بزرگ» برای ازسرگیری حملات گسترده، نابودی توان ایران و ادامه فشار نظامی صحبت می‌کند. در کنار این اظهارات، واشینگتن عملا مسیر فشار را متوقف نکرده و با تمدید اختیارات تحریمی علیه ایران، ادامه استقرار نیروهای نظامی در منطقه و حفظ فشار اقتصادی، نشانه‌ای از پایان فوری منازعه ارائه نمی‌دهد. این تناقض‌ها در روزهای منتهی به نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا ترامپ در مقطعی قرار دارد که معادلات جنگ ایران، مناسبات آمریکا با کشورهای خلیج فارس و فضای سیاسی داخلی ایالات متحده و نیز انتخابات پارلمانی اسرائیل به یکدیگر گره خورده‌اند. او در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا و انتخابات کنست در اسرائیل -که سرنوشت سیاسی نتانیاهو را برای همیشه تعیین خواهد کرد- باید تصمیم بگیرد: یا حرکت به سوی مذاکره و توافق، یا تشدید و شروع مجدد جنگ. در همین حال، گزارش‌هایی از بررسی سناریوی ادامه جنگ تا پایان دوره ریاست‌جمهوری او در ژانویه ۲۰۲۹ منتشر شده، در حالی که ترامپ چنین احتمالی را رد می‌کند. در این میان، تهران نیز براساس ارزیابی مطرح‌شده، در پی آن است که هزینه جنگ و تکرار آن را برای طرف مقابل چنان افزایش دهد که بازگشت به چنین رویارویی‌ای دشوار شود. بنابراین، مسئله دیگر صرفا پایان یا ادامه یک عملیات نظامی نیست؛ سخن از شکل‌دادن به معادله‌ای جدید در خاورمیانه است که در آن هر تصمیم آمریکا، هم پیامد نظامی دارد و هم پیامد سیاسی و اقتصادی.

از «تصمیم بزرگ» ترامپ تا امضای قانون تحریم‌ها؛ زبان مذاکره، عمل فشار

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، پنجشنبه گذشته با بیان اینکه به یک «نقطه عطف حساس» در جنگ با ایران نزدیک شده، مدعی شد تصمیم مهمی درباره ادامه یا تشدید عملیات نظامی در پیش دارد. به گزارش اکسیوس، ترامپ اعلام کرده ممکن است برای پایان‌دادن به درگیری، حملات گسترده‌تری را از سر بگیرد؛ هرچند هم‌زمان از احتمال دستیابی به توافق با ایران سخن گفته است. البته ترامپ در جای دیگری هم ادعا کرد ایران اکنون خواهان توافق است، اما تأکید کرد فقط در صورتی به مذاکره فکر خواهد کرد که توافق مورد نظر از دیدگاه او «درست» باشد. او همچنین مدعی بود ایران از نظر مالی و نظامی تحت فشار قرار گرفته است. ترامپ از مذاکره با حوثی‌ها نیز خبر داد و گفت واشینگتن در تلاش است امکان دستیابی به توافق با آنها را بررسی کند. هم‌زمان با این سخنان ترامپ، او همچنین مدعی شد جنگ با ایران به‌زودی پایان خواهد یافت و هدف اصلی واشینگتن، جلوگیری از دستیابی تهران به سلاح هسته‌ای است. او افزایش احتمالی هزینه‌های انرژی را پیامد این سیاست دانست. در همین حال، مایک والتز اعلام کرده است موضوع جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای در سخنرانی ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح خواهد شد. دیدار ترامپ با رهبران شش کشور خلیج فارس نیز می‌تواند بر مسیر بعدی درگیری، ازجمله انتخاب میان دیپلماسی و تشدید نظامی، تأثیرگذار باشد. این مواضع زمانی معنادارتر می‌شود که در کنار اقدامات عملی دولت آمریکا قرار گیرد. هم‌زمان با سخنان ترامپ درباره احتمال مذاکره و پایان جنگ، او قانون جدید تحریم‌های روسیه و ایران موسوم به «قانون تحریم روسیه و ایران لیندسی او. گراهام در سال ۲۰۲۶» را امضا کرده است. این قانون برای ایران، قانون تحریم‌های ایران یا ISA را به مدت پنج سال دیگر تمدید می‌کند و اختیارات مهم تحریمی واشینگتن علیه تهران را تا سال ۲۰۳۱ حفظ خواهد کرد. براساس گزارش منتشرشده، قانون جدید الزاما یک رژیم تحریمی کاملا تازه ایجاد نمی‌کند، اما اختیارات موجود واشینگتن برای هدف قراردادن شرکت‌ها و اشخاص خارجی مرتبط با معاملات مشخص بخش انرژی ایران را تمدید می‌کند. دامنه این فشار می‌تواند شرکت‌هایی را در بر گیرد که در خرید، حمل‌ونقل، تأمین مالی یا بیمه نفت ایران و سرمایه‌گذاری در برخی پروژه‌های نفتی مشارکت دارند. از آنجا که چین بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران معرفی شده و وزارت خزانه‌داری آمریکا سهم خرید آن را حدود ۹۰ درصد صادرات نفت ایران اعلام کرده است، اجرای تحریم‌های ثانویه می‌تواند مستقیما متوجه شبکه تجارت خارجی نفت ایران شود. در همین چارچوب، دلالان نفتی، شرکت‌های کشتیرانی و اپراتورهای نفتکش مستقر در امارات، هنگ‌کنگ و هند نیز پیش‌تر هدف تحریم‌های آمریکا قرار گرفته‌اند.

بنابراین فاصله میان ادبیات سیاسی ترامپ و ابزارهای مورد استفاده دولت او درخور توجه است؛ در سطح گفتار، از توافق، پایان جنگ و امکان دیپلماسی سخن گفته می‌شود، اما در سطح سیاست عملی، اختیارات تحریمی تمدید می‌شود و فشار اقتصادی همچنان ادامه دارد. همین هم‌زمانی یکی از مهم‌ترین وجوه تناقض در روایت رسمی واشینگتن است. در همین حال، ترامپ ادعا کرده ایران از نظر مالی و نظامی در حال شکست است و حتی گفته آمریکا کنترل تنگه هرمز را در اختیار دارد و توانسته رادارهای ایران را هدف قرار دهد. او وضعیت اقتصادی ایران را نیز بسیار وخیم توصیف کرده و مدعی شده است در نهایت آمریکا پیروز خواهد شد؛ هرچند خود او مسیر این پیروزی را قطعی نمی‌داند و هر دو احتمال توافق یا ادامه جنگ را مطرح می‌کند.

در سوی دیگر، مقام‌های آمریکایی و تحلیلگران منطقه‌ای از سناریویی بسیار پیچیده‌تر سخن می‌گویند؛ کمااینکه نورالدین الدغیر، خبرنگار الجزیره، اظهارات ترامپ درباره حمله را حتی تلاشی برای زمینه‌سازی مذاکره دانسته و هم‌زمان به سفر عباس عراقچی به پکن و تماس وزیران خارجه چین و آمریکا اشاره کرده است؛ تماس‌هایی که به گفته او می‌تواند نشان‌دهنده تلاش برای سنجش امکان نقش‌آفرینی چین در حل اختلافات باشد. به این ترتیب، قانون تحریم‌ها در کنار تهدید نظامی و اظهارات دیپلماتیک، تصویری از سیاستی چندلایه ارائه می‌کند؛ فشار اقتصادی ادامه دارد، گزینه نظامی همچنان روی میز است و در عین حال، امکان مذاکره نیز رد نمی‌شود. مسئله اصلی اکنون این است که آیا این فشارها مقدمه‌ای برای گرفتن امتیاز در میز مذاکره است یا نشانه آماده‌سازی برای جنگی طولانی‌تر.

جنگی که قرار بود کوتاه باشد؛ سناریوی ادامه درگیری تا ۲۰۲۹

یکی از مهم‌ترین تناقض‌های موجود در روایت دولت ترامپ، فاصله میان وعده پایان سریع جنگ و سناریوهای مطرح‌شده در محافل تصمیم‌گیری آمریکا درباره امکان تداوم درگیری تا پایان دوره ریاست‌جمهوری اوست. والاستریت ژورنال به نقل از مقام‌های آمریکایی گزارش داده است مشاوران ارشد ترامپ در نشست‌های محرمانه، احتمال ادامه جنگ با ایران تا ژانویه ۲۰۲۹ را بررسی کرده‌اند؛ یعنی تا پایان دوره فعلی ریاست‌جمهوری. این سناریو با سخنان علنی ترامپ که بارها از پایان سریع جنگ سخن گفته است، تفاوت آشکاری دارد. براساس همین گزارش، جی‌دی ونس، معاون اول ترامپ، مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا و دیگر مقام‌های ارشد دولت ایالات متحده درباره احتمال ادامه مقاومت ایران در برابر فشار آمریکا، محاصره اقتصادی و اقدامات نظامی گفت‌وگو کرده‌اند. در چنین سناریویی، جنگ دیگر یک عملیات کوتاه‌مدت برای دستیابی به یک هدف مشخص نخواهد بود؛ به بحرانی بلندمدت تبدیل می‌شود که منابع نظامی آمریکا و بازار جهانی انرژی را تحت فشار قرار خواهد داد. نزدیکی انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۸ نیز اهمیت این مسئله را برای دولت آمریکا افزایش می‌دهد. با این حال، ترامپ به‌صراحت احتمال ادامه جنگ تا پایان دوره ریاست‌جمهوری خود را رد کرده و گفته است چنین اتفاقی رخ نخواهد داد. همین موضع دوباره شکاف میان تصویر علنی دولت آمریکا و سناریوهایی را که در جلسات داخلی بررسی می‌شود، برجسته می‌کند. از سوی دیگر، اقدامات نظامی آمریکا در منطقه نیز با روایت جنگ کوتاه‌مدت کاملا همخوان نیست. پنتاگون در حال تمدید استقرار برخی نیروهای آمریکایی در خاورمیانه تا سال ۲۰۲۷ و تقویت روند چرخش یگان‌های نظامی، سامانه‌های پدافندی و جنگنده‌هاست. حدود ۵۰ هزار نیروی آمریکایی در منطقه مستقر هستند و برخی یگان‌های پدافند هوایی نیز بدون تعیین زمان مشخص پایان مأموریت، در منطقه باقی خواهند ماند. این وضعیت از منظر راهبردی به معنای آن است که حتی اگر ترامپ از پایان جنگ سخن بگوید، ساختار نظامی آمریکا برای یک بازه زمانی طولانی‌تر در منطقه آماده می‌شود. این دو روند لزوما به معنای تصمیم قطعی برای ادامه جنگ نیستند، اما نشان می‌دهند واشینگتن برای سناریوی طولانی‌شدن بحران نیز در حال حفظ ظرفیت نظامی خود است. عبدالله باعبود، استاد روابط بین‌الملل در عمان، در همین زمینه گفته است واشینگتن و اسرائیل احتمالا در ابتدا انتظار جنگی کوتاه و مطابق با شرایط خود را داشتند، در حالی که تهران جنگ را نبردی حیاتی می‌بیند و مصمم است هزینه تکرار آن را بالا ببرد. از این منظر، طولانی‌شدن درگیری می‌تواند نتیجه اختلاف در ارزیابی دو طرف از هزینه‌ها و اهداف جنگ باشد.

وعده «پایان جنگ» و معادله خلیج فارس؛ دیپلماسی در سایه فشار

با توجه به دو روایت کلی درباره زمان پایان جنگ آمریکا با ایران، دولت ترامپ همچنان بر این روایت تأکید دارد که رئیس‌جمهور ایالات متحده مصمم به پایان‌دادن به جنگ است؛ همچنان که مسعد بولوس، مشاور ارشد ترامپ در امور کشورهای عربی و خاورمیانه، گفته است ترامپ تلاش می‌کند جنگ چندماهه را پایان دهد و انتظار دارد درگیری در سراسر خاورمیانه به‌زودی خاتمه یابد. با این حال، بولوس از ارائه جدول زمانی مشخص خودداری کرده و تعیین زمان پایان جنگ را به خود ترامپ نسبت داده است. بولوس همچنین مسئله هسته‌ای را شرطی اساسی برای پایان جنگ معرفی کرده و گفته است واشینگتن اجازه نخواهد داد ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند. او در عین حال تأکید کرده ترامپ به مذاکرات و گفت‌وگوها فرصت می‌دهد و امیدوار است در نهایت صلح حاصل شود. این موضع در شرایطی مطرح می‌شود که کشورهای خلیج فارس نیز در محاسبات واشینگتن اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. ترامپ قرار است در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل با رهبران عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، کویت و عمان دیدار کند و گفته است می‌خواهد به‌طور مستقیم مواضع آنها درباره گام بعدی جنگ را بشنود. در صورت تصمیم آمریکا برای تشدید عملیات نظامی، همراهی متحدان منطقه‌ای برای واشینگتن اهمیت خواهد داشت. بولوس کشورهای خلیج فارس را «شرکای واقعی» و «متحدان واقعی» واشینگتن توصیف کرده و گفته روابط آمریکا با عربستان، امارات، قطر، مصر و اردن در سطح رهبران و نهادهای دولتی ادامه دارد. با این حال، متن نشان می‌دهد خود کشورهای خلیج فارس نیز درباره کفایت ترتیبات امنیتی موجود پرسش‌هایی مطرح کرده‌اند. در کنار جنگ ایران، دولت ترامپ مسئله گسترش توافق‌های ابراهیم را نیز به آینده منطقه مرتبط می‌داند. بولوس مدعی شده پس از پایان جنگ، تلاش برای گسترش این توافق‌ها از سر گرفته خواهد شد. او همچنین درباره سودان، آن را مهم‌ترین پرونده بشردوستانه دولت آمریکا توصیف کرده و از ارائه بیش از سه میلیارد دلار کمک از آغاز جنگ خبر داده است.

بن‌بست در برابر تهران

هریسون برگر، در تحلیلی برای پایگاه ریسپانسیبل استیت‌کرفت، باور دارد ایالات متحده در جنگ با ایران با مجموعه‌ای از اهداف بلندپروازانه وارد میدان شده بود؛ از تغییر ساختار سیاسی ایران و محدودکردن توان موشکی گرفته تا توقف غنی‌سازی اورانیوم و کاهش حمایت تهران از گروه‌های منطقه‌ای. با این حال، فشارهای اقتصادی و عملیات نظامی واشینگتن تاکنون نتوانسته این اهداف را محقق کند و آمریکا اکنون با محدودشدن گزینه‌های عملیاتی خود روبه‌رو است. واشینگتن ابتدا تلاش کرد با تشدید تحریم‌ها و اعمال فشار اقتصادی، تهران را وادار به تغییر رفتار کند، اما این سیاست نیز مانند تجربه سال‌های گذشته نتیجه تعیین‌کننده‌ای به همراه نداشت. در ادامه، آمریکا به گزینه نظامی متوسل شد، اما حملات نیز نتوانست اهداف اعلام‌شده را به‌طور کامل محقق کند.

اکنون دو مسیر عمده پیش‌روی دولت ترامپ قرار دارد؛ نخست، ادامه حملات مقطعی و فشار نظامی در قالب راهبردی که در محافل آمریکایی از آن با عنوان «چمن‌زنی» یاد می‌شود و دوم، اعلام دستیابی به اهداف و کاهش حضور نظامی آمریکا در منطقه. با این حال، برگر معتقد است هیچ‌یک از این دو گزینه الزاما قادر به حل بحران تنگه هرمز نیست. از نگاه این تحلیلگر، رفع تحریم‌ها یکی از شروط مهم ایران برای بازگشت به وضعیت عادی کشتیرانی است؛ در حالی که لغو بخش مهمی از تحریم‌ها به تصمیم کنگره آمریکا نیاز دارد. افزون بر این، تهران مسئله امنیت کشتیرانی را به رفتار اسرائیل در منطقه پیوند زده است؛ موضوعی که واشینگتن تاکنون تمایل یا توان کافی برای مدیریت آن نشان نداده است. این شرایط، به اعتقاد نویسنده، خطر تبدیل جنگ خلیج فارس به یک درگیری فرسایشی شبیه جنگ اوکراین را افزایش داده؛ بحرانی که ممکن است به‌جای پایان سریع، ماه‌ها یا حتی سال‌ها ادامه یابد و پیامدهای اقتصادی آن، به‌ویژه در بازار انرژی و قیمت سوخت، برای آمریکا و اقتصاد جهانی سنگین باشد.

تداوم فشار داخلی آمریکا بر ترامپ؛ افکار عمومی چه می‌گوید؟

در کنار محاسبات نظامی و دیپلماتیک، جنگ ایران برای دولت ترامپ یک مسئله داخلی نیز محسوب می‌شود. نظرسنجی جدید فاکس‌نیوز نشان می‌دهد ۷۱ درصد رأی‌دهندگان ثبت‌نام‌شده آمریکایی معتقدند دولت ترامپ استراتژی روشنی برای پایان‌دادن به جنگ با ایران ندارد. این رقم شامل ۹۵ درصد دموکرات‌ها، ۸۳ درصد مستقل‌ها و ۴۳ درصد جمهوری‌خواهان بوده است. همین نظرسنجی حکایت از آن دارد که ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان آغاز اقدام نظامی علیه ایران را تصمیمی اشتباه دانسته‌اند، در حالی که ۳۷ درصد از آن حمایت کرده‌اند. میزان مخالفت نیز نسبت به ماه ژوئن افزایش یافته است؛ زمانی که ۵۸ درصد چنین اقدامی را اشتباه ارزیابی کرده بودند. همچنین سهم کسانی که معتقدند جنگ در بلندمدت آمریکا را ناامن‌تر می‌کند، از ۳۹ درصد در آوریل به ۴۷ درصد افزایش یافته است، در حالی که ۳۲ درصد گفته‌اند جنگ آمریکا را امن‌تر خواهد کرد. در همان نظرسنجی، محبوبیت کلی ترامپ ۳۹ درصد و عدم تأیید عملکرد او ۶۱ درصد گزارش شده است. محبوبیت سیاست خارجی او نیز به ۳۷ درصد رسیده که در متن، پایین‌ترین سطح دوره دوم ریاست‌جمهوری او توصیف شده است. این نظرسنجی از هزارو ۲۱۱ رأی‌دهنده ثبت‌نام‌شده در فاصله ۱۱ تا ۱۴ سپتامبر انجام شده و حاشیه خطای آن سه درصد اعلام شده است.

به موازات این نظرسنجی‌ها، رضا سعد، مدیر مرکز مطالعات راهبردی ژنو، با اشاره به کنترل جمهوری اسلامی ایران بر تنگه هرمز و تأثیر قیمت انرژی بر انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا، تأکید کرد سرنوشت صندوق‌های رأی آمریکا در دست تهران است. در چنین شرایطی، مسئله جنگ از سطح تصمیم‌گیری نظامی فراتر می‌رود و به موضوعی مرتبط با مدیریت افکار عمومی تبدیل می‌شود. ترامپ از یک سو باید نشان دهد جنگ اهداف اعلام‌شده خود را محقق کرده و ایران را از دستیابی به سلاح هسته‌ای بازداشته است و از سوی دیگر، باید توضیح دهد مسیر خروج از این جنگ چیست. جیک سالیوان، مشاور سابق امنیت ملی آمریکا، در اظهاراتی درباره وضعیت تنگه هرمز گفته است آمریکا در جنگ گرفتار شده و برای باز نگه‌داشتن بخشی از مسیر، هزینه‌های سنگینی پرداخت می‌کند. او مدعی شده است این وضعیت میلیاردها دلار هزینه و استفاده گسترده از ظرفیت نیروی دریایی و نیروهای ویژه آمریکا را در پی داشته است. این اظهارات، صرف‌نظر از ارزیابی سیاسی گوینده، یک مسئله مهم را برجسته می‌کند؛ اینکه هرچه جنگ طولانی‌تر شود، هزینه‌های آن برای آمریکا نیز بیشتر خواهد شد و تصمیم‌گیری درباره ادامه یا پایان جنگ با محاسبات پیچیده‌تری همراه می‌شود.

یکی از مهم‌ترین تناقض‌های موجود در روایت دولت ترامپ، فاصله میان وعده پایان سریع جنگ و سناریوهای مطرح‌شده در محافل تصمیم‌گیری آمریکا درباره امکان تداوم درگیری تا پایان دوره ریاست‌جمهوری او است. والاستریت ژورنال به نقل از مقام‌های آمریکایی گزارش داده است مشاوران ارشد ترامپ در نشست‌های محرمانه احتمال ادامه جنگ با ایران تا ژانویه ۲۰۲۹ را بررسی کرده‌اند

در نهایت، آنچه از مجموعه این اظهارات و اقدامات به دست می‌آید، تصویری از سیاستی است که هنوز در نقطه تصمیم قرار دارد؛ ترامپ از پایان جنگ، مذاکره و صلح سخن می‌گوید، ولی هم‌زمان ابزارهای تحریمی را تمدید می‌کند، ظرفیت نظامی آمریکا در منطقه را حفظ و تقویت می‌کند و گزینه حمله گسترده را کنار نمی‌گذارد. در مقابل، گزارش‌های داخلی از احتمال جنگ طولانی‌تر حکایت دارند و نظرسنجی‌های داخلی نیز از ابهام در افکار عمومی آمریکا درباره راهبرد پایان جنگ خبر می‌دهند. بنابراین، هفته‌های پیش‌رو، به‌ویژه در آستانه نشست مجمع عمومی سازمان ملل و انتخابات میان‌دوره‌ای، می‌تواند دوره‌ای تعیین‌کننده برای انتخاب میان دو مسیر باشد؛ مذاکره برای خروج از بحران یا ادامه فشار و جنگ با پذیرش هزینه‌های فزاینده آن.

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری(سهامی خاص)

فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای
تأمین کالا ۰۴۰/ت ک آ ج/۱۴۰۵

شناسه : ۲۲۷۷۵۸۴
نوبت دوم

شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی (خرید ۳۵۰ شاخه ۱۲ متری لوله ۸" به شماره (۲۰۰۵۰۹۳۲۲۸۰۰۰۲۲۰) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان درسامانه ۱۴۰۵/۰۶/۲۴ می باشد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد. حداقل امتیاز ارزیابی کیفی ۵۰ امتیازمی باشد.
مهلت دریافت اسناداستعلام ارزیابی کیفی: ازساعت ۸:۰۰ صبح تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۴ الی ساعت ۱۴:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۴
مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی :تا ساعت ۱۴:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۹
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار :
آدرس: استان خوزستان - شهرستان امیدیه- بلوار نفت- شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری/ اداره تدارکات و امور کالا فکس: ۰۶۱۵۲۶۲۲۶۸۳
تلفکس : ۰۶۱۵۲۶۲۰۸۹۷
تلفن : ۰۶۱۵۲۶۲۲۲۷۳ داخلی ۲۳۱۷۰
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه :
مرکز تماس : ۰۲۱-۴۱۹۳۴
دفتر ثبت نام : ۸۸۹۶۹۷۳۷- ۸۵۱۹۳۷۶۸

روابط عمومی شرکت بهره برداری نفت و گاز آغاجاری

۲۳۸۸